

## جوانان دیگر « آینده ساز » نیستند !؟

### آرش کمانگر

دوسوم جمعیت ایران زیر سی سال بسر می‌برند. از سوی دیگر در همه جهان، از کودکان و جوانان به‌عنوان آینده‌سازان هر کشور و کره ارض یاد می‌کنند. از این رو هر رژیم "نرمالی" باید بداند و یا این انتظار "طبیعی" از او می‌رود که سهم قابل توجهی از بودجه کشور و از جمله فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را به این قشر مهم اختصاص دهد. والا شانس خود را برای برخورداری از سطح پیشرفت جهانی کاهش خواهد داد و از قافله شتابان توسعه اقتصادی-اجتماعی و علمی دنیا عقب خواهد ماند. اما جمهوری اسلامی متعلق به گذشته نه کاری به حال و روز جوانان دارد و نه پیشیزی برای رسالت «آینده‌سازی» آن‌ها ارزش قائل است. در صورتی که رژیم ایران حتی اگر سیاست‌های آینده‌نگرانه را مد نظر نداشت، لاقبل می‌بایست بر مبنای وزن سنگین ۷۵ درصدی جوانان و کودکان ایرانی، به خاطر کمیت آن‌ها هم که شده توجهی به وضعیت بحرانی و فلاکت بارشان می‌کرد. اما جمهوری اسلامی نه یک رژیم نرمال است و نه یک رژیم مردمی و جوان‌سال، پس لاجرم نه تنها مرهمی بر زخم‌های عدیده قشر جوان گذاشته نخواهد شد بلکه بر پرتو عمل کرد خانمان براندازانه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی این نظام، هر روز - بنا به اعتراف جراید خود رژیم - شاهد وخیم تر شدن وضعیت جوانان و کودکان هستیم. مراجعه ای گذرا به پاره‌ای از این آمارها به روشنی عمق فاجعه را بدست می‌دهد.

۱- مریم نجف زاده کارشناس مجتمع قضایی خانواده طی گفت‌وگویی با ایرنا فاش نموده که تعداد دختران فراری از خانه در قیاس با سال گذشته حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. او مهم‌ترین عامل این فاجعه را زندگی این دختران در خانواده‌های نابسامان ارزیابی می‌کند. اما در کنار آن به عواملی دیگری نظیر: اعتیاد والدین، بی توجهی به شرایط حساس دوران بلوغ، زندگی با نامادری و ناپدری، سواستفاده جنسی برادر یا پدر، تعصبات قومی و محدودیت بیش از حد فرزندان (بوئزه دختران) و ازدواج‌های تحمیلی و زودرس اشاره می‌کند بی آن‌که به عامل زیربنایی اقتصادی یعنی فقر و بیکاری و فلاکت خانواده‌های تهی دست (که نقش مهمی در نامتعادل کردن شیرازه خانواده ایفا می‌کند) و نیز وجود استبداد سیاسی و مذهبی اشاره‌ای داشته باشد.

۲- پدیده «کودکان خیابانی» علی‌رغم اجرای طرح پر سروصدای «جمع آوری کودکان خیابانی» از ۲۱ مرداد امسال، روز به روز در حال صعود است. ناچیز بودن بودجه اختصاصی و مهم‌تر از آن بجای ماندن عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تولید بازتولید این ناهنجاری، عوامل اصلی شکست طرح کذایی رژیم محسوب می‌شوند. در این رابطه هادی معتمدی مدیر کل دفتر امور آسیب‌دیده‌گان اجتماعی معتقد است که اغلب این کودکان که به کارهایی نظیر: ماشین شویی، روزنامه یا آدامس فروشی، واکس زنی، سرقت، تن فروشی و تکدی "اشتغال" دارند، منبع درآمد خانواده‌هایشان هستند و حتی پس از جمع آوری توسط نیروی انتظامی، والدین شان برای بردن آن‌ها مراجعه می‌کنند و با وجودی تعهدی که از آن‌ها گرفته می‌شود باز کودکان به خیابان برمی‌گردند.

۳- طبق آمار یونیسف ( صندوق بین المللی کودکان سازمان ملل ) ۱۷ درصد پسران و ۱۹ درصد دختران کشورمان که در سنین تحصیلی دوره ابتدایی هستند، در مدارس مذکور ثبت نام نکرده اند. این نونهالان یا بر خلاف قوانین سازمان جهانی کار، شاغل هستند و تن نحیف‌شان را به هیولای استثمار سپرده‌اند و یا بر خلاف منشور جهانی حقوق بشر، بدلیل عدم توانایی خانواده تهی دست‌شان برای تامین مخارج تحصیل و بی توجهی دولت، خانه نشین شده‌اند و یا در خیابان‌ها و میادین به بزه کاری مشغول و بنابراین از حق ابتدایی آموزش مقدماتی محرومند. حال آن‌که طبق آمار این سازمان، در کوبا ۱۰۰ درصد کودکان در مدارس مشغول تحصیل هستند.

۴- روزنامه حیات نو مورخ ۱۱ دی ۸۰ خبر می‌دهد که تعداد مبتلایان به ایدز در ایران بدلیل افزایش اعتیاد تزریقی در میان جوانان به سرعت در حال افزایش است. عبدالله زاده کارشناس دانشکده علوم پزشکی گیلان در این رابطه گفت: بیشترین تعداد مبتلایان به ایدز در کشورما در مقطع سنی ۲۰ تا ۳۹ سال قرار دارند. در همین راستا گزارشات متعددی در مورد پائین آمدن سریع سن اعتیاد و نیز تن فروشی و شیوع تدریجی اما سریع این ناهنجاری‌ها در سطح مدارس خیر می‌دهند.

۵- محمد علی زاده (جمعیت شناس) طی سخنانی که در روزنامه همشهری مورخ ۱۲ دی ماه بچاپ رسیده گفته است که بیشترین درصد بیکاران ایران را جوانان تشکیل می‌دهند، این در حالی‌ست که علاوه بر میلیون‌ها بیکار حدود ۲۰ درصد از جمعیت شاغل نیز در رده اشتغال ناقص قرار دارند، یعنی کسانی که زیر ۴۰ تا ۴۸ ساعت (در هفته) کار می‌کنند و قادر به پیدا کردن شغل تمام وقت نیستند. علی زاده افزود: اگر دولت بخواهد بیکاری را در حد ۱۰ تا ۱۲ درصد مهار کند، باید تا سال ۱۳۸۳ سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی ایجاد کند. حال آن‌که همین هفته گذشته «عربلو» عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اعتراف نمود که بودجه سال ۸۱ انتظارات پیش بینی شده در برنامه سوم توسعه را برآورده نخواهد کرد.

۶- بر طبق جدیدترین آمار صندوق بین المللی پول که توسط خبرگزاری ایرنا نیز مخابره شد، ایران در میان ۶۱ کشور در حال توسعه از لحاظ «فرار مغزها» رتبه اول را داراست. در همین رابطه روزنامه نروژ مورخ ۵ دی ماه نوشت که سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر به طور قانونی تقاضای مهاجرت می‌کنند که باید به این آمار، افرادی را نیز که همه روزه با به بخطر انداختن جان خود به طور غیرقانونی از جهنم جمهوری اسلامی می‌گریزند را نیز اضافه نمود. کشور ما هم چنین از لحاظ درصد بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی، در دنیا رکورددار است. بر طبق آمار اخیر وزارت علوم و تحقیقات، هر ساله ۲۷۰ هزار نفر از دانش‌گاه‌های عمومی و آزاد اسلامی فارغ التحصیل می‌شوند که از میان آن‌ها تنها ۷۰ هزار نفر قادر به پیدا کردن شغلی متناسب با سطح تحصیلات خود هستند، به طوری‌که طبق گزارش روزنامه نروژ مورخ ۲۰ آذر، در بخش دولتی تنها نزدیک به ۱۰ درصد و در بخش خصوصی تقریباً ۲ درصد کارکنان دارای تحصیلات دانش‌گاهی می‌باشند. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی از لحاظ توسعه منابع انسانی در رتبه ۹۰ جهان قرار دارد. به این رکوردهای خفت بار می‌توان رکوردداری در سایر مسائل اجتماعی نظیر: خودکشی، سوانح رانندگی، سوانح اشتغال زنان را نیز اضافه نمود که جوانان قربانیان اصلی آن‌ها هستند.

بدین ترتیب واژه جامعه شناسانه «آینده سازان» را - لاقلاً تا زمانی که جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهد- باید از فرهنگ لغات ایران حذف نمود، چون جوانان بیشتر از هر قشر دیگری در بی‌آینده‌گی مطلق بسر می‌برند و زندگی تیره و تار موجود و افق‌های تاریک‌تر از آن، آن‌ها را از ابتدایی‌ترین مواهب زندگی محروم نموده است. به طوری که مجموعه عواملی نظیر: بحران اقتصادی، بیکاری، فقر، استبداد سیاسی و فرهنگی، تحجر مذهبی، آپارتاید جنسی و در یک کلام فقدان آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، این قشر عظیم را به یک آتشفشان در حال خروش تبدیل کرده است. فورانی که جلوه‌هایی از آن را در جریان «شورش فوتبال» در پائیز گذشته شاهد بودیم. این شورش‌ها اما، برای این‌که به جنبشی منظم و هدف مند تبدیل شوند، بیش از هر زمان نیازمند تدارک و تحقق اصول سازمان‌دهی و تشکل‌یابی هستند. در ایران به دلیل وزن ۷۵ درصدی جوانان و کودکان که بخش اعظم‌شان از خانواده‌های کارگران و زحمت‌کشان هستند، هر انقلاب و تحول سیاسی جدی که رخ دهد به ناگزیر نقش گسترده‌ی جوانان را بر پیشانی خود خواهد داشت، از این رو بسیار بعید است که بدون سازمان‌دهی جوانان انقلاب نوین مردم کشور بتواند از گستردگی لازم برخوردار گردد.

به همین خاطر تشکل‌یابی جوانان مبارز و پیشرو در هر محله در «هسته‌های مقاومت» مخفی و نیمه علنی و سازمان‌دهی نافرمانی مدنی، مبارزات و شورش‌های مردم هر محله توسط این هسته‌های چابک و در کنار آن ایجاد ارتباط میان هسته‌های محلات گوناگون، آن وظیفه سترگی است که بدوش هر جوان آگاه و مبارز ( خصوصاً جوانان متعلق به طبقه

کارگر و مزدبگیر ( سنگینی می‌کند. در همین راستا ضروری است که اپوزیسیون چپ و ترقی‌خواه نیز از همه امکانات تبلیغی، ترویجی و سازمان‌گرانه خود برای تقویت و ایجاد « هسته های مقاومت جوانان » بهره‌جویند. هر قدر که ما و جوانان پیشرو در این مهم موفق شویم، زودتر قادر خواهیم بود شورش‌های دوره‌ای و ضربتی جوانان را به جنبشی متشکل و هدف‌مند تبدیل کنیم تا در پیوند تنگاتنگ با جنبش انقلابی توده‌های کار و زحمت و جنبش‌های، زنان و اقلیت‌های ملی و مذهبی، بر فروزان‌تر شدن شعله‌های انقلاب فردا بیافزایند و مجدداً واژه زیبای « آینده‌سازان » را وارد فرهنگ لغات مردم کشور نمایند!